

**پستوانه‌ای از جنس مردم**

**هشتم شهری**

روزنامه همشهری در شماره دیروز خود با بیان اینکه راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال نمایشی باشکوه از اتحاد و آمادگی ملت ایران در برابر هر گونه تهدید بود، نوشت: هر گاه ملت ایران احساس کند که دشمنان درصدد تعرض به سرزمین و ارزش‌های آنان هستند، این حضور پرشور مردمی بیشتر جلوه‌گر می‌شود. حضور گسترده مردم در مراسم امسال به منزله هشداری جدی به دشمنانی بود که ایران را با تهدیدات سخت و نظامی مواجه می‌سازند. این راهپیمایی‌ها به‌روشنی نشان داد که ایران فراتر از آن است که بتوان با قدرت نظامی یا فشارهای خارجی آن را به زانو درآورد. ملت ایران با اراده‌ای راسخ مسیر استقلال و آزادی خود را ادامه می‌دهد و هیچ تهدیدی قادر نیست آنان را از این مسیر منحرف کند. نویسنده اضافه کرده است: در همین حال، برخی از سیاستمداران خارجی، همچون ترامپ، موضوعاتی چون خلع سلاح ایران و جلوگیری از دسترسی به انرژی هسته‌ای را در قالب مذاکرات مطرح کرده‌اند، اما اینگونه خواسته‌هایی شک با واکنش قاطع وطن‌پرستان ایرانی مواجه خواهد شد. در عین حال، عده‌ای در داخل کشور با فشار آوردن به رئیس‌جمهور خواستار پذیرش این خواسته‌ها یا حتی استعفا می‌او هستند. این افسرد که هیچ‌گاه در راهپیمایی‌های مردمی حضور ندارند، گویا از پشت‌پاونه عظیم ملت ایران و قدرت بی‌بدیل آن در حمایت از نظام اسلامی بی‌خبرند. راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن نه‌فقط یک مراسم سالانه، بلکه تبلور عزم ملی و تجلی اتحاد مردمی است که سرنوشت خود را در دست دارد.

**حضور حداکثری مردم در ۲۲ بهمن**

**جبهه‌ها**

باشکوه‌تر از سال‌های گذشته برگزار شد و شعارها، حوای پیام‌های متعددی در ابعاد داخلی و خارجی بود. حضور کمی و کیفی شهروندان ایران اسلامی امسال فوق‌العاده پرشور بود. نخست، این حضور گسترده، پاسخی قاطع به دشمنانی است که همواره در پی ایجاد شکاف میان مردم و انقلاب اسلامی، رهبری و ارزش‌های دینی بوده‌اند. راهپیمایی دیروز نشان داد که ملت ایران، به رغم وجودمشکلات ونا رضایتی‌های اقتصادی ومعیشتی، همواره بین انقلاب، استقلال ورهبری خود با عملکرد دستگاه‌های مختلف اجرایی، تکنیک قائل شده و اجازه نخواهد داد این مسائل خدش‌های به وحدت وانسجام ملی وارد سازد. این انسجام و وحدت، اصلی‌ترین مؤلفه قدرت است. حضور میلی‌ها در این سطح منطقی‌ای و جهانی است. دوم، این راهپیمایی، نماد وحدت و همدلی اقشار مختلف مردم با سلیقه‌ها، ظواهر و اندیشه‌های گوناگون حول محور انقلاب اسلامی بود و به اهمیت ایجاد شرایط مناسب در داخل کشور تأکید داشت. درواقع انسجام داخلی مقدم بر هر گونه مسئله‌ای میان مردم انقلابی ایران است. سوم، از منظر معنوی، این حضور تجلی سنت‌های الهی و وحدت مورد تأکید قرآن کریم است که همواره موجب نزول بر کات ونصرت الهی بر ملت‌ها می‌شود. علاوه بر این، در راهپیمایی دیروز، مردم با ظرفی‌های خود، حمایت‌قاطع خویش را ازجبهه مقاومت، محور مقاومت، غزه، لبنان، یمن و تمامی مبارزان راه آزادی اعلام کرده و یاد وخاطره شهدا را گرمی‌آ داشتند.

**دوباره محاسبه کنید**

روزنامه وطن امروز نوشت: صهیونیست‌ها در ماه‌های گذشته کمپینی را کلید زده‌اند که هدف آن انتشار تحلیل‌های غلط درباره محاسبات ایران در میان بازیگران دیگر است. درست مانند سال ۱۴۰۱ که دوره افتاده بودند و به کشورها می‌گفتند «حکومت ایران در آستانه سقوط است، فقط باید یک قدم دیگر بردارید»، این بار هم با همه توان سعی می‌کنند به دیگران بقولبند نظام ایران در آستانه تغییر راهبرد اساسی است، فقط باید فشار را روی آن تشدید کرد.

رهبر ایران به مثابه یک بازیگر استراتژیک، در این جنگ محاسباتی، مهره خویش را به بهترین وجه ممکن حرکت دادند، اگر کسانی تصور می‌کنند ایران حس ضعف دارد، در نتیجه در آستانه تغییر محاسبات راهبردی خویش است، نخستین گام این است که این محاسبه اصلاح شود. نه فقط امروز و صهیونیست‌ها، بلکه انتظار بسناری از دیگر در گوشه و کنار جهان – پس از رویدادهای حدود یک سال گذشته – احتمالات این بود که ایران این بار دیگر مذاکره مستقیم را می‌خواهد اما رهبر معظم انقلاب به محاسبات دشمن یک ضربه اساسی وارد کر دند و نشان دادند این تحلیل‌ها محقق‌نارس است و محاسبات راهبردی ایران تحت فشار تغییر نمی‌کند. اگر خرمندی در تیم ترامپ وجود داشته باشد تحولات همین چند روز کافی است تا در بایند زبانی‌هایی که صهیونیست‌ها به آنها می‌دهند و راه‌هایی که پیش پای آنها می‌گذارند، بیشتر عملیات روانی است تا تهدید. مردم است تا راه‌حل، اکنون اقدام باید یا تصمیم بگیرد چه می‌خواهد کند. اگر هدف او سخت‌تر کردن مواضع ایران و رویارویی با آن است، راه همین است که می‌رود کسی در ایران برای قاتل خویش سوت و کنا نخواهد زد، اما اگر در پی آن است که انطور که ادعا می‌کند تنش با ایران را تشدید کند و تهدید را به نهایت راه‌حلی بیاورد، نخستین گام این است که از «اسرائیلیزه شدن سیاست آمریکا درباره ایران» جلوگیری و محاسباتی را که به عنوان «طلاعات ارزیابی‌شده» به او ارائه کرده‌اند، به روزرسانی کند. تصور ایران ضعیف و متفرق، دامی است که اسرائیلی‌ها پیش روی دولت ترمپ پهن کرده‌اند و تحولات همین یک هفته کافی است که ماهیت این دام آشکار شده باشد.

**قطره در یاست اگر بادریاست**

روزنامه کهپان در یادداشتی ضمن تمجید از حضور مسئولانه مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن نوشت: دیروز مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن با حضوری گسترده‌تر و پرشمارتر از همیشه، آرزوهای آمریکا و متحدان غربی و عبری و عربی آن را زیر کلاه‌های خود لگدمال کردند و خوابی را که برای این روز دیده بودند، به کابوس تبدیل کردند.

نویسنده اضافه کرده که در یکی از آمارها – که با واقعیت‌های موجود نیز همخوانی دارد– آمده است که بیش از ۷۰ درصد کسانی که هنگام پیروزی انقلاب اسلامی در قید حیات بودند، از دنیا رفته‌اند، با وجود این جمعیت شرکت‌کننده در راهپیمایی ۲۲ بهمن، همه‌ساله رو به فزونی داشته است. این نکته به وضوح حکایت از آن دارد که انقلاب اسلامی در گذر زمان، نه‌فقط کمرنگ‌تر نشده، بلکه به نسل‌های سوم و چهارم نیز منتقل شده است. حضور چشمگیر و پرشور جوانان ونوجوانان در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن و مخصوصاً راهپیمایی دیروز، شاهد دشمن‌شناسی است. این نکته به وضوح حکایت از آن دارد که انقلاب اسلامی و دشمن‌شکن آقای دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور محترم کشورمان بود. ایشان ضمن ارائه تحلیلی دقیق از شرایط این روزها، رجزخوانی دشمنان بیرونی و مخصوصاً رئیس‌جمهور دودانه و بی‌شعور آمریکا را به سخره گرفتند و با تأکید بر آموزه‌های اسلام و انقلاب و بینش و منش حکیمانه رهبر معظم انقلاب، به دشمن تاختند و به همان اندازه که خواب دشمنان را برای رخنه به ساح متقدس جمهوری اسلامی ایران آشفته ساختند، به روحیه امید و کار و کوشش برای عبور از مشکلات تأکید وزریدند. مردم ایران عزیز به فراست دریافته‌اند و این دریافت شورانگیز را در تمامی طول ۴۶ سال گذشته به کار بسته‌اند که قطره‌ها هنگامی که به هم می‌پیوندند، دیگر قطره نیستند، بلکه به دریا بدل می‌شوند.



**گفت‌وگو**  
**حسین اصغری\***

انقلاب اسلامی ایران بدون شک از بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین انقلاب‌های جهان است که اثرات عمیقی را هم در داخل کشور و هم در نظام بین‌الملل از خود بر جای گذاشته است؛ تأثیراتی که پس از گذشت ۴۶سال از آن، همچنان دنیا شاهد آن است و روزبه‌روز بر این تأثیرگذاری افزوده می‌شود. به مناسبت چهل‌وششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی درباره دستاوردهای این پدیده بزرگ تاریخی با دکتر جواد منصور از مبارزان سیاسی پیش از انقلاب و از شخصیت‌های سیاسی پس از انقلاب اکنون هم مشاور علمی ریاست مرکز اسناد انقلاب اسلامی است، به گفت‌وگو نشستیم تا به بررسی چرایی و چگونگی این اتفاق بزرگ بپردازیم.

■ ■ ■

**به‌عنوان مقدمه خوب است این سؤال مطرح شود: «چه شد که انقلاب رخ داد؟ چرا مردم انقلاب کردند؟» برای برخی از جوانان امروز، این سؤال وجود دارد که چرا در سال ۱۳۵۷ انقلاب شد؟**

اینکه «چرا انقلاب شد؟» تقریباً سؤال مستمری است که نه تنها در ایران، بلکه در تمام کشورهای دنیا درباره انقلاب اسلامی ایران، به‌دلیل عظمت و غیرمنتظره بودن و ویژگی‌های خاص خود همیشه مورد سؤال بوده است که چرا انقلاب شد؟ چگونه انقلاب شد؟ دستاوردهایش چه بوده‌است؟ آیندش چگونه خواهد بود؟ این سؤالات چهارگانه به‌طور مداوم در مراکز مطالعات سیاسی و استراتژیک دنیا مورد بررسی قرار گرفته و می‌گیرد. در این گفت‌وگو، من فقط به قسمت اول که «چرا انقلاب شد؟» به‌طور اجمالی می‌پردازم. طبیعتاً مردم ایران به‌دلیل فساد مالی، اخلاقی و سیاسی رژیم شاه و خشونت و سرکوبی که در این مدت مشغول جمع‌آوری اموال، عتیقه‌جات و آماده کردن جایگاه بعدی‌شان بودند. با یک هوایمیا، اختصاصاً این موارد را از ایران خارج کردند. در واقع رژیم شاهنشاهی در عاشورای سال ۱۳۵۷ سقوط کرد و تمام شدن این فاصله دوره انتقال بود و دوره احتضار یا نه‌کته دومی که خیلی اهمیت دارد این است که به هر حال وابستگی رژیم شاه به آمریکا و اینکه اداره کشور عملاً با آمریکا، انگلیس و اسرائیل بود، مردم را به اینجا رساند که باید به استقلال رسید. اینکه شما می‌بینید یکی از شعارهای اصلی انقلاب «نه شرقی، نه غربی» یا «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» است دقیقاً همین است. یعنی مردم می‌گویند ما به این جمع‌بندی رسیدیم که بخشی عمده‌ای از گرفتاری‌های‌مان و مقاصد کشور و بی‌ایقنیتی‌های حکومت، ناشی از سلطه خارجی است و ما زیر بار سلطه خارجی نمی‌رویم. امروز هم که داریم صحبت می‌کنیم اگر به عنوان اولین، مهم‌ترین و اساسی‌ترین دست‌آورد انقلاب بخواهیم صحبت کنیم، این است که با افتخار در دنیا اعلام می‌کنیم ما یک دولت مستقل هستیم. این نکته جالبی است که دشمن‌ترین دشمنان ما هم نمی‌توانند این را منکر شوند و ما «مستقل هستیم»، حالا خوب یا بد، قوی یا ضعیف، ما زیر بار سلطه هیچ دولتی به هیچ میزانی نبوده و نیستیم و نخواهیم بود هر کسی غیر از این تصور کند یا خودش را به جهالت می‌زند یا دیگران را می‌خواهد فریب دهد یا اینکه نمی‌داند. متعلقان زیر بار سلطه هیچ قدرت و دولتی نرفته‌اند و نخواهیم رفت. این نکته خیلی مهمی است. اما نکته دوم این است «چرا انقلاب شد؟» برای پاسخ به این سؤال خیلی می‌توان صحبت کرد اما معمولاً من مختصر و خلاصه منظور می‌گویم که بیا باید کتاب «یادداشت‌های علم» را بخوانید. علم در این کتاب بارها به‌صراحت می‌گوید که این حکومت لایقی نیست، نوکر آمریکا و نوکر انگلیس هستیم، سفير آمریکا آمد و به من (اسدالله علم) گفت که ما کاری در ایران می‌کنیم که ۵۰ سال دیگر هم به شما نمی‌گوئیم؛ چرا این کار زده است؟ چون بعضی مناطق در ایران بود که حتی شاه مملکت هم حق ورود به آنجا را نداشته است. بسیاری از کارهای ما در عرصه‌های مختلف، برنامه‌ها، پروژه‌ها، صادرات و واردات اصلاً تحت اختیار ایران نبوده است، یک رئیس‌یهائی و یک امریکایی در سازمان برنامه و بودجه گرداننده اقتصاد کشور بودند. از حرف‌های علم هم که بگذریم، من معمولاً ساده‌تر دلیل در پاسخ به این سؤال که «چرا انقلاب شد؟» را حرف‌های خود شاه در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ بیان می‌دانم. جوانان ما بیا باید این متن را بردارند و بخوانند، متن نطق‌شاه در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ که در آنجا شاه به صراحت می‌گوید: «من صدای انقلاب شما را شنیدم، من در کنار انقلاب شما هستم، من انقلاب شما را تأیید می‌کنم.» خب صریح‌تر از این هم می‌شود؛ یعنی شاه اعتراف کرده است که شما حق داشتید که انقلاب کنید، شما باید انقلاب می‌کردید و من هم قبول دارم که این انقلاب می‌کردیم. شاه در ادامه نکات جالبی می‌گوید: «ما قبول داریم که بی‌قانونی کردیم، فساد کردیم، بی‌دینی کردیم، ما وابسته بودیم ولی قول می‌دهم از این به بعد مملکت را براساس منافع ملی اداره کنیم. قول می‌دهم از این به بعد براساس مذهب شیعه اثنی عشری حکومت صریح‌ترین چیزی است که دولتی باید و به حقایق انقلاب اعتراف کند. دیگر اینها می‌وجود دارد که چرا انقلاب شد؟ حالا جالب است، مردم گفتند خیلی خب، پس تو انقلاب ما را قبول داری؟ اما ما تو را قبول نداریم و باید بروی، بنابراین درروز عاشورای سال ۱۳۵۷ من نمی‌دانم چند میلیون نفر بود (من خودم آن موقع در زندان بودم) یکصدای گفتند مرگ بر شاه و مرگ بر آمریکا ما همه سران تویم خمینی، گوش به فرمان تویم خمینی. جالب است شاه با هلی‌کوپتر

می‌آید و مسیر را از بالا می‌بیند و به دربار برمی‌گردد. آنجا تعدادی از سران کشور را احضار می‌کند. می‌گوید: شما که گفتید یک اقلیتی با ما مخالف هستند. اینها که همه ملت بودند و یک شعار هم می‌دادند در واقع شاه در روز عاشورای سال ۱۳۵۷ تصمیم گرفت از مملکت برود. اگر می‌بایید در فاصله ۲۰ تا ۲۶ دی ۱۳۵۷ در ایران می‌ماند، به این دلیل است که در این مدت مشغول جمع‌آوری اموال، عتیقه‌جات و آماده کردن جایگاه بعدی‌شان بودند. با یک هوایمیا، اختصاصاً این موارد را از ایران خارج کردند. در واقع رژیم شاهنشاهی در عاشورای سال ۱۳۵۷ سقوط کرد و تمام شدن این فاصله دوره انتقال بود و دوره احتضار یا نه‌کته دیگری که می‌خواهید اسمش را بگذارید.

**سند یا نشانه‌ای تاریخی هست که نشان دهد شاه از آن موقع زم‌مه‌های فراز را داشته باشد یا عملکردش این را به ما نشان می‌دهد؟**

ما در این فاصله از شاه صحبت نمی‌بینیم، فقط یک صحبتی است که سفير امريکا در خاطراتش نقل می‌کند و می‌گوید: قبل از فرار شاه، رفته با شاه صحبت کردم، دیدم ایشان خیلی ناراحت و منقلب است. به او گفتم اعلیحضرت، هر کاری می‌خواهید بکنید بکنید و ما از شما حمایت می‌کنیم. سوهارتر از اندونزی ۱/۵ میلیون آدم کشت تا بر اوضاع مسلط شد و اصلاً اینها زن‌الر هابیز را به ایران فرستادند تا یک میلیون نفر آدم بکشد. روز ۲۲ و ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ برنامه آن کودتای کذابی تارک و دیده‌شده بود که قرار بود مردم را قتل‌عام کنند ولی آن حکم امام و آن حضور مردم برنامه آنها را هم زد و آنرا خنثی کرد، یعنی وقتی میلیون‌ها آدم به خیابان‌ها ریختند، دیگر آن حرکت برای‌شان امکان نداشت. سولویان می‌گوید وقتی این حرف را زد من گفتم: آقای سفير! با مردمی که از مرگ نمی‌ترسند و مرگ را شهادت می‌دانند (و این جمله را البته من اضافه می‌کنم «و به این شهادت افتخار می‌کنند») شما با این مردم خیلی مهمی است. اما نکته دوم این است «چرا انقلاب شد؟» برای پاسخ به این سؤال خیلی می‌توان صحبت کرد اما معمولاً من مختصر و خلاصه منظور می‌گویم که بیا باید کتاب «یادداشت‌های علم» را بخوانید. علم در این کتاب بارها به‌صراحت می‌گوید که این حکومت لایقی نیست، نوکر آمریکا و نوکر انگلیس هستیم، سفير امريکا آمد و به من (اسدالله علم) گفت که ما کاری در ایران می‌کنیم که ۵۰ سال ديگر هم به شما نمی‌گوئيم؛ چرا این کار زده است؟ چون بعضی مناطق در ایران بود که حتی شاه مملکت هم حق ورود به آنجا را نداشته است. بسیاری از کارهای ما در عرصه‌های مختلف، برنامه‌ها، پروژه‌ها، صادرات و واردات اصلاً تحت اختیار ایران نبوده است، یک رئیس‌یهائی و یک امریکایی در سازمان برنامه و بودجه گرداننده اقتصاد کشور بودند. از حرف‌های علم هم که بگذریم، من معمولاً ساده‌تر دلیل در پاسخ به این سؤال که «چرا انقلاب شد؟» را حرف‌های خود شاه در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ بیان می‌دانم. جوانان ما بیا باید این متن را بردارند و بخوانند، متن نطق‌شاه در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ که در آنجا شاه به صراحت می‌گوید: «من صدای انقلاب شما را شنیدم، من در کنار انقلاب شما هستم، من انقلاب شما را تأیید می‌کنم.» خب صریح‌تر از این هم می‌شود؛ یعنی شاه اعتراف کرده است که شما حق داشتید که انقلاب کنید، شما باید انقلاب می‌کردید و من هم قبول دارم که این انقلاب می‌کردیم. شاه در ادامه نکات جالبی می‌گوید: «ما قبول داریم که بی‌قانونی کردیم، فساد کردیم، بی‌دینی کردیم، ما وابسته بودیم ولی قول می‌دهم از این به بعد مملکت را براساس منافع ملی اداره کنیم. قول می‌دهم از این به بعد براساس مذهب شیعه اثنی عشری حکومت صریح‌ترین چیزی است که دولتی باید و به حقایق انقلاب اعتراف کند. دیگر اینها می‌وجود دارد که چرا انقلاب شد؟ حالا جالب است، مردم گفتند خیلی خب، پس تو انقلاب ما را قبول داری؟ اما ما تو را قبول نداریم و باید بروی، بنابراین درروز عاشورای سال ۱۳۵۷ من نمی‌دانم چند میلیون نفر بود (من خودم آن موقع در زندان بودم) یکصدای گفتند مرگ بر شاه و مرگ بر آمریکا ما همه سران تویم خمینی، گوش به فرمان تویم خمینی. جالب است شاه با هلی‌کوپتر

**آقای دکتر به کلیاتی اشاره کردید که چرا انقلاب شد و مثلاً بحث استقلال و عدم وابستگی به بیگانگان را مطرح کردید که در شعارهای انقلاب موج می‌زد،**

**مردم ایران به‌دلیل فساد مالی، اخلاقی و سیاسی رژیم شاه و خشونت و سرکوبی که در ایران وجود داشت به ستوه آمده بودند، یعنی رژیم شاه به هیچ وجه نتوانست مردم ایران را برای ادامه حکومت خودش به میدان آمدند و نظام را سرنگون کردند**



سرویس سیاسی ۶۰۰۰۵۲۳۸۵

**بررسی چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی با دکتر جواد منصور**

# انقلاب اسلامی استبداد و استعمار را از ایران بیرون کرد



کلیتوین صریحاً گفت که اگر ما از همه دنیا خارج شویم، می‌توانیم آقای دنیا به‌نامیم اما اگر از ایران خارج شویم، دیگر آقای دنیا نخواهیم بود. خب اینها را مردم ایران چگونه تفسیر می‌کنند؟ این بزرگ‌ترین افتخار و دست‌آورد ماست. من دارم می‌گویم شما کاری کردید که امروز در کاخ سفید نشستند می‌گویند ایران چگونه آینده دنیا را می‌سازد، من می‌گویم این یعنی دست‌آورد انقلاب. من می‌گویم این دست‌آورد انقلاب است که رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید ما با ایران نمی‌کنیم و حریف ایران نمی‌شویم. نخست‌وزیر اسرائیل هم صریحاً گفت ما همه کشورهای منطقه را می‌کوبیم ولی ایران را نمی‌توانیم بکوبیم. یعنی این قضیه ۱۰-۱۵ ماه اخیر مسائل خیلی مهمی دارد. شما فکر نکنید فقط مسئله جنگ بین رژیم صهیونیستی و مردم فلسطین بوده، رئیس‌جمهور فرانسه این مطلب را می‌گوید: فرهنگ و فلسفه ما دورهاش تمام شد، این فرهنگ آسیایی است که دارد ما را تهدید می‌کند. منظور ش از فرهنگ که دارد اسم اسلام را نمی‌آورد، وگرنه در آسیا فرهنگی نیست که اروپا و غرب را تهدید کند جز اسلام، به هر تقدیر، بحث دستاوردها به اعتقاد من خیلی بیش از آن چیزی است که در این مصاحبه صحبت می‌کنند. اما در آنجا اینها را مقایسه کنیم دستاوردهای انقلاب اسلامی که در آنجا اینها را مقایسه کنیم دستاوردهای انقلاب اسلامی معلوم می‌شود، البته من در اینجا یک افتقاد دوستانه و صمیمانه از رسانه‌های خومان که درباره دستاوردهای انقلاب صحبت می‌کنند، دارم و آنچ‌ما این است که معمولاً می‌گویند قبیل از انقلاب مثلاً ۴هزار کیلومتر راه آهن داشتیم اما امروز ۱۰ هزار کیلومتر داریم، فلان مقدار برق داشتیم اما امروز حکومت ایران می‌گوید وقتی این حرف را زد من گفتم: کردن خیلی جالب نیست. بالاخره کشورهای دیگر هم از این پیشرفت‌ها داشته‌اند و اصلاً در شعارهای انقلاب ما این نبوده که می‌خواهیم از لحاظ مادی درجه دنیا پیش شویم، نه، این گونه نیست، آنچه‌ما می‌خواستیم چه بوده است؟ استقلال، کرامت انسانی و یک زندگی به هر حال سالم که متناسب با ارزش‌های خومان باشد. باید ببینیم که آیا ما در حال حاضر زیر سلطه‌ایم؟ در این قضیه ترین کشور دنیا هستیم، الان مشکل دارترین کشور دنیا هستیم؟ شما خیال می‌کنید الان در کشورهای دیگر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی وجود ندارد و همه این گرفتاری‌ها متعلق به ایران است؟ این جمله را زنگفت: زان‌ل‌های ما به‌دلیل تجربه کاری خیلی از کشورهای را دیده‌ام و شاید بعضی‌ها باور نکنند که در کشورهای دیگر به مسائل عجیب و غریبی وجود دارد که من خیلی از آنها را نمی‌گویم، چون ممکن است مردم باور نکنند، وگرنه کسانی که رفته‌اند و دیده‌اند می‌دانند چه خبر است. در آمریکا داستان‌هایی است از فقر، فساد، فحشا، ناامنی‌ها اجتماعی و اینها چیزی که نیست، مثلاً جهاد دانشگاهی، جهاد سازندگی و موسی(ع)، بنابراین تعجبی ندارد. در هر حال، تعدادی

از ابتدای پیروزی انقلاب و حتی قبل از آن، شاخصه‌های مهم در انقلاب اسلامی، حضور فعال مردم متعهد و متدین در صحنه‌های مختلف بوده است، چه در صحنه‌های سیاسی و چه در اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، یعنی اصلاً جدایی دولت از مردم در ایران و جمهوری اسلامی معنا ندارد

از ابتدای پیروزی انقلاب و حتی قبل از آن، شاخصه‌های مهم در انقلاب اسلامی، حضور فعال مردم متعهد و متدین در صحنه‌های مختلف بوده است، چه در صحنه‌های سیاسی و چه در اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، یعنی اصلاً جدایی دولت از مردم در ایران و جمهوری اسلامی معنا ندارد

از ابتدای پیروزی انقلاب و حتی قبل از آن، شاخصه‌های مهم در انقلاب اسلامی، حضور فعال مردم متعهد و متدین در صحنه‌های مختلف بوده است، چه در صحنه‌های سیاسی و چه در اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، یعنی اصلاً جدایی دولت از مردم در ایران و جمهوری اسلامی معنا ندارد

کتاب، چه از سوی ایرانی‌ها و چه از سوی غیرایرانی‌ها، درباره پیامدهای انقلاب اسلامی در دنیا نوشته شده است و من توصیه می‌کنم این کتاب‌ها خوانده شود، حتی بعضی از این کتاب‌ها را نویسندگان امریکایی نوشته‌اند که ایرانی، مسلمان، انقلابی و حزب‌اللهی هم نیستند. این کتاب‌ها باید خوانده شود تا مردم ببینند آنها چه گفته‌اند. ماروین زویسن در کتاب «شکست شاهانه» صریحاً نوشته است: ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، (که البته او تاریخ میلادی آن را نوشته است ۱ فوریه ۱۹۷۹) سر آغاز عصر جدیدی در تاریخ عصر بشریت شد، زیرا همه دنیا خواستند خودشان را به جای خدا بنشانند ولی امام خمینی خدا را به جای آنها گذاشت.

در نتیجه همه این معادلات به هم ریخت.

**در این دستاوردها و پیشرفت‌هایی که اشاره شد، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌الملل، نقش و جایگاه مردم چه بوده و کجا تعریف شده است؟**

از ابتدای پیروزی انقلاب و حتی قبل از آن، شاخصه‌های مهم در انقلاب اسلامی، حضور فعال مردم متعهد و متدین در صحنه‌های مختلف بوده است، چه در صحنه‌های سیاسی و چه در اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، یعنی اصلاً جدایی دولت از مردم در ایران و جمهوری اسلامی معنا ندارد. مگر این مردم نیستند رأی می‌دهند و بر اساس رأی آنها نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور و دیگران انتخاب می‌شوند و آیا رهبر انقلاب اسلامی، چه حضرت امام(ره) و به مقام معظم رهبری، اصل کلیات‌شان و اصل تأکیدات‌شان بر مردم نیست؟ اصلاً شما در هیچ جای دنیا نمی‌بینید که رهبر یک کشور این‌قدر مسئله مردم برایش مهم باشد؟ شما بجای دنیا می‌بینید که رهبر یک مملکت با دانشجویان با کارگر، با معلم، با بانوان، با مقامات مختلف و با تأویل‌کنندگان بخش خصوصی صحبت کند و حرف‌های‌شان را بشنود. در دنیا چنین چیزی وجود ندارد، از پشت تریبون یک متنی را برای مردم‌شان می‌خواند اما دیدارهایی مثل دیدارهای رهبر ایران اصلاً ندارند. واقعیت قضیه این است که آیا علت بقای جمهوری اسلامی چیزی جز حضور مردم بوده است؟ حالا چه در این جنگ و چه در حضور در اجتماعات، مثلاً روز ۲۲ بهمن را در نظر بگیرد، چه کسانی در راهپیمایی شرکت می‌کنند و چه می‌گویند؟ آنها همه حرف‌شان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است و آخرین شعارشان هم این است که ما پیرو رهبری هستیم، اینها نیست و چیزی نیست که ما بگوییم. تصاویر تلویزیون که دیگر کسانی نیستند. بالاخره یک حرف‌هایی را عده‌ای به هر دلیلی می‌زنند ولی واقعیت ندارد. من بارها دیده‌ام که مسئولان ما چقدر برای مردم زحمت می‌کشند و مقابل مردم هم از مسئولان تشکر می‌کنند، یعنی اصلاً خودشان را جدا از هم نمی‌دانند. شما امروز به مردم اعلام کنید که فلان مشکل به‌وجود آمده است، آن‌وقت می‌بینید که مردم چگونه برای کمک می‌آیند. بی‌شهری بود که اول انقلاب به آنجا رفتم و فقط یک دبیرستان داشت اما الان فقط چهار دانشگاه دارد. دهها دبیرستان و دهها مرکز فرهنگی دارد که بخشی را خود مردم درست کرده‌اند. بخشی را دولت و بخشی را هم به صورت مشترک. دو سه تا کتاب است که معروف‌ترین آن «پای‌تاب انقلاب اسلامی در جهان» نوشته دکتر منوچهر محمدی است یا مثلاً کتاب «صعود چهل ساله» که خوب است این کتاب‌ها مطالعه شود. شما برای انقلاب ایران که کتاب‌ها نوشته شده‌اند، مگر مشکلات موجود نیستیم و یکی از علت‌ها، ابعاد عظیم دشمنی‌های است که علیه ما وجود دارد. شما ببینید تعداد زیادی کشور وجود دارند که مدعی مسلمان‌بودن هستند و دشمنان بالاترین درجه دارند که علیه آنان انجام می‌دهند. شوخی نیست. خوداینکه انقلاب اسلامی ۴۶سال مانده معجزه است، واقعاً معجزه است. یک موردی را برای‌تان بگویم که شاید جالب باشد. اردیبهشت‌سال ۱۳۵۸ از سفارت آمریکا نامه‌ای نوشته بود، وزارت خارجه ایران که اوضاع امنیت اینجا صلاً خوب نیست. بعد از انقلاب است، سفارت‌سازسان ما را به آمریکا بفرستیم، چون یک‌دو بار به سفارت آمریکا را مامدای اول انقلاب حمله شده بود. جالب است که یک نامه از وزارت خارجه آمریکا به سفارت آمریکا در تهران فرستاده شد که در آن این گونه پاسخ داده شده بود: ما ایران را به گوهانی شما این دست‌آورد نیست که نتوانستیم این حجم خیلی مهم است. پنج سال‌رو قضا‌ی سال ۱۴۰۱ برنما‌ی‌ری شده بود، از آمریکا، اروپا، اسرائیل و چند کشور منطقه سرنامه‌ی‌نگذاری که بودند و کار ایران را تمام‌شده می‌دانستند که خب شکست خورد، این یعنی دست‌آورد انقلاب.

**\* پژوهشگر تاریخ معاصر**